

نگاهی به تفاوت های اعلامیه جهانی حقوق بشر با نظام حقوقی اسلام

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

نازنین حاجیان

چکیده

هرچند اصطلاح حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد گفت-وگوهای روزمره شد، اما این واژه جایگزین اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» شده که قدمتی دیرینه دارند. حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعدد و زیادی از آن ارائه شده است. حقوق بشر به فرانسه Lhomme Droits و به انگلیسی Human Rights و به عربی حقوق الانسان نامیده می-شود. به هر شکل باید توجه داشت لازم است ابتدا در جهان اسلام به انسان و کرامت انسانی احترام گذاشته شود و سپس دنیا به این باور برسد که انسان-ها حرمت دارند و اعلامیه حقوق بشر اسلامی در احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق شهروندی الگو و مربی جهان باشد. با توجه به اهمیت مقوله حقوق بشر در جوامع بین المللی و حقوق اسلامی در این مقاله قصد داریم به مقایسه و تفاوت های اعلامیه جهانی حقوق بشر با نظام حقوقی اسلام بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده های فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق اسلامی، حقوق بین الملل، حفظ کرامت انسانی

بخش اول: کلیات

حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه ایی است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان عارضی دیگر بر او، از خداوند دریافت کرده است. با توجه به تعریف های ارائه شده از حقوق بشر می توان گفت:

الف) حقوق بشر حقوق جهانی است زیرا این حقوق، حق طبیعی و مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر، در هر کجا با هر نژاد، زبان، جنس یا دین که باشد، از این حقوق بهره-مند است و لازم نیست انسان این حقوق را کسب کند.

ب) حقوق بشر هدیه الهی است و هیچ مقام بشری این حق را اعطا نمی -کند و حقوق بشر در این معنا ذاتی می باشد.

ج) حقوق بشر، بخشی از حقوق است که هر انسان از آن جهت که انسان است آن-ها را دارا می -شود، در برابر بسیاری از حقوق که مبنای حکمت الهی به انسان ها نه از آن جهت که انسان هستند، بلکه جهات حکیمانه دیگری اعطا می شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ده دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به صورت قطعنامه شماره ۲۱۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این اعلامیه جنبه جهانی به خود گرفت و همه کشورها ملزم به رعایت آن شدند. اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است: در مقدمه اعلامیه اندیشه-های زیربنایی است که الهام بخش نویسندگان اعلامیه در تدوین مواد بعدی بوده است مانند وحدت خانواده بشری، کرامت و ارزش شخص انسان، حقوق بنیادی (قانونی و غیرقابل انتقال) مرد و زن، پیامدهای اسفبار تجاوز به حقوق بشر، بالاخره رابطه بین احترام و رعایت این حقوق در نظام داخلی و برقراری صلح بین ملت ها. اصول عمده ایی که اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی برمی شمارند عبارتند از:

۱- کرامت انسان: کرامتی که اعلامیه جهانی حقوق بشر از آن یاد می کند، کرامت مادی و دنیوی است. زیرا بشر را با اشیاء و دنیای اطرافش مقایسه کرده، تفوق و برتری او را کرامت و شرافت نامیده است. اسلام آدمی را با اشیاء اطرافش و یا حتی با فرشتگان

مقایسه نمی کند، بلکه او را به خداند نسبت می دهد و انسان را وظیفه خداوند بر روی زمین می داند، اسلام نمی گوید که بشر باید مسلمان، مسیحی، یهودی و ... باشد تا کرامت را کسب کند، مذهب و اعتقاد به خدا، ارزش و کرامت اکتسابی است، مانند علم و دانش و تمام مهرورزی های قرآن کریم به بشر، به خاطر بشربودن و انسان بودن است.

۲- آزادی: اعلامیه جهانی حقوق بشر از این کلمه فراوان نام می برد، ولی تعریفی از آن ارائه نمی دهد، با این حال به نظر می رسد منظور اعلامیه جهانی از این لفظ، آزادی در نیازهای روانی و جسمانی اوست. گرچه این نوع آزادی برای انسان ضروری است ولی برای کمال معنوی و کمال روحی انسان و ارتقاء او از سطح مشترک حیوانات تأثیری ندارد و از طرفی برای همین نوع آزادی حدی تعیین نگردیده است. اسلام آزادی را در رها شدن از بندگی و اطاعت از غیرخدا می داند، نه حق انتخاب در همه چیز و یا اجرای اراده در هر مورد.

۳- برابری و مساوی: اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، بر تساوی ذاتی انسان ها پای می فشارد و بر همین اساس، تساوی در حقوق و تکالیف را هم دارا می شوند. اسلام بر تساوی و برابری ذاتی صحه می گذارد و در قرآن بیان می کند که ما آدمیان را از یک زن و مرد آفریدیم که تساوی در نسب و ذات را بیان می کند. اسلام در حقوق و تکالیف تفاوت هایی میان زن و مرد قایل شده که این بر اساس ویژگی های آفرینش آنها می باشد. همچنین اسلام بر مساوی بودن انسان ها در مقابل خداوند و قانون تأکید فراوانی می نماید. در همین خصوص از پیامبر اکرم روایت شده است که فرموده اند: امت های قبل از شما هلاک شدند، زیرا که اگر فردی قدرتمند و بزرگ، جرمی مرتکب می شد، مورد تعقیب قرار می گرفت و اگر فردی عادی مرتکب جرمی می شد، مسئولیت کیفری داشت « اعلامیه حقوق بشر اسلامی همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تکیه کرده و برخی حقوق لازم الرعایه را احصاء نموده است که باید آن ها را به رسمیت شناخت و در مقام اعمال و اجرای آن ها برآمد. برخی از اصولی که به عنوان حقوق را آزادی های اساسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده در این اعلامیه نیز آمده است.

برخی از حقوق هم که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده، در اعلامیه اسلامی مورد توجه و تصریح قرار گرفته است. به هر صورت در یک کلام می توان گفت در یک بررسی در همه ادیان، آیین -ها و مذاهب زیباترین نگاه به حقوق اشرف مخلوقات یعنی انسان نگاه اسلام است. تعبیر زیبای قرآن و بیانات نورانی ائمه دین (ع) گویای این واقعیت است که وقتی خداوند می -فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، آیه ۱۳)، با تقواترین عنصر انسانی حامل و حافظ همه کرامت -های انسانی است و بالاترین حافظ حقوق بشر انسان -هایی دست پرورده اسلام است. خداوند بر زبان پیامبرش رسول گرامی اسلام (ص) این جمله نورانی را که حاکی از رعایت حفظ حقوق میان انسان ها و کرامت انسانی است را گوشزد می -فرماید. از جمله در حدیث شریفی که شالوده و بنای حقوق بین انسان ها را می توان در آن دید، می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَأَفْضَلُ لِعَرَبِيٍّ عَلَى أَعْجَمِيٍّ، وَلَأَعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَأَاحْمَرٌ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَأَ أَسْوَدٌ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى» مردم آگاه باشید که پروردگارتان یکی است و پدرتان نیز یکی است. بنابراین بدانید که نه عربی را برعجم، و نه عجمی را بر عرب، و نه سرخ پوستی را بر سیاه پوستی و نه سیاه پوستی را بر سرخ پوستی برتری است؛ مگر به تقوا و پرهیزگاری.

بخش دوم: تاکید بر حقوق آزادی های سیاسی از جمله آزادی بیان در قوانین ایران

«اصل نهم قانون اساسی می گوید: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند... و در ذیل اصل می گوید: ... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند. ماده ۴۸ قانون تعزیرات مقرر می دارد: «هر یک از وزا و مقامات و مامورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند، یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آنها داده محروم نمایند از شغل خود منفصل و از سه تا پنج سال از مشاغل دولتی محروم خواهد شد». بند ۷ اصل سوم قانون اساسی از جمله وظایف اصلی دولت را: «تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» می داند. طبق اصل ۲۴ قانون اساسی: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی

اسلام یا حقوق عمومی باشد...» ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ نیز می‌گوید: «مطبوعات نظرات، انتقادات سازنده پیشنهادها توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.» ماده ۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند...» به حکم ماده ۴: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.» در جهت تامین آزادی مشروع مطبوعات، اصل ۱۶۸ قانون اساسی تاکید بر علنی بودن حضور هیأت منصفه در محاکمه جرایم مطبوعاتی نیز مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...» ماده ۳۴ قانون مطبوعات نیز مقرر می‌دارد: «به جرایم ارتكابی وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.»^۱ «طبق اصل ۲۷ قانون اساسی» تشکیل اجتماعات و راهپیماییها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» اصل ۲۶ قانون اساسی در زمینه آزادی تشکیل احزاب می‌گوید، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» در تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب مصوب شهریور ماه سال ۱۳۶۰ نیز آمده است که: «برگزاری راهپیماییها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتیکه به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است. محدود کردن آزادی‌های مختلف به عدم اخلال به مبانی اسلام که در اصول مختلف قانون اساسی و مواد قانون عادی آمده، بدین جهت است که بنیان حکومت براساس مبانی اسلامی گذاشته شده و آراء ملت برای استقرار چنین حکومتی ابراز شده و نظم عمومی جامعه با ویژگیهایی که جامعه ما دارد، با استحکام مبانی اسلامی و مذهبی استقرار می‌یابد بنابراین طبیعی است مانند هر حکومتی که حق دارد برای

^۱ - حسین مهرپور، ضمانت اجرای قانونی در حقوق ایران در زمینه رعایت حقوق بشر، مجله راهبرد،

اعمالی که براساس آن و نظم و اخلاق عمومی جامعه‌اش لطمه وارد می‌آورد محدودیت‌هایی قائل شود. دولت جمهوری اسلامی ایران هم در همان راستای مقررات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مجاز است محدودیت‌های قانونی در این رابطه برقرار نماید.^۱

بخش سوم: بررسی و شناسایی نهادهای حکومتی رسیدگی کننده به نقض حقوق بشر از جمله آزادی بیان در حقوق ایران

«به غیر از دادگاه‌ها که روند صحیح عملکرد آنها می‌تواند حقوق انسانی افراد را تضمین نماید، از سه نهاد قانونی دیگر که در رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم و رسیدگی به آنها و نظارت بر حسن اجرای قانون و نتیجتاً جلوگیری از نقض حقوق، تاثیر دارند می‌توان نام برد:

۱- کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی - به موجب اصل نود قانون اساسی: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.» ماده ۴۴ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «براساس اصل ۹۰ قانون اساسی کمیسیونی به نام کمیسیون اصل ۹۰ برای رسیدگی به شکایات از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و یا قوه قضاییه و برای تحقق بخشیدن به اهداف مذکور در اصل ۹۰ تشکیل می‌گردد. این کمیسیون می‌تواند با قوای سه گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارت خانه‌ها و ادارات و سازمانهای وابسته به آنها و بنیادها و نهادهای انقلابی و موسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق الذکر مربوط می‌باشند مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید و برای رسیدگی به شکایاتی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع کننده بدانها داده نشده و رفع مشکلات توضیح بخواهد و آنها مکلفند در اسرع وقت جواب کافی بدهند. گزارشهای کمیسیون اصل ۹۰ پس از ارایه به هیات رئیسه بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌گردد.»

قانون نحوه اجرای اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ تشکیلات

و صلاحیت و حدود اختیارات کمیسیون را بیان کرده است. طبق ماده ۳ قانون مزبور: «چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد، کمیسیون می تواند بازرس یا بازرسانی را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیأت رئیسه کمیسیون اعزام نماید. در این صورت مسئولین ذی ربط موظفند همکاری لازم را از هر جهت با آنان معمول دارند.»^۱ «و به حکم تبصره ماده ۵: کمیسیون پس از بررسی لازم و احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت را می نماید. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد.»

«۲- دیوان عدالت اداری - طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی: «به منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون معین میکند.» قانون عادی مربوط به دیوان عدالت اداری در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ تصویب شد و براساس آن در سال ۱۳۶۱، دیوان عدالت اداری تأسیس گردید.» طبق قانون مزبور دیوان عدالت اداری در تهران تشکیل می شود و امکان تشکیل شعب آن در شهرستانها نیز وجود دارد. هر شعبه دارای دو عضو است که یکی رئیس و یا علی البدل رئیس است و دیگری عنوان مشاور را دارد. طبق قانون مزبور، سازمان دو نوع بازرسی انجام می دهد: یکی بازرسی مستمر از کلیه وزارت خانه ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلابی... (بند الف ماده ۲ قانون) و دیگری بازرسی فوق العاده که طبق بند ب ماده مزبور: بدستور رئیس قوه قضاییه یا به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا به تقاضای وزیر یا مسؤول دستگاههای اجرایی ذی ربط و یا هر مورد دیگری که به نظر رئیس سازمان و رئیس قوه قضاییه ضروری تشخیص داده شود. سازمان شکایات و اطلاعات مردم را نیز دریافت میدارد و چنانچه مدلل باشد رئیس سازمان براساس آنها بازرس یا هیأت بازرسی اعزام می دارد. (ماده ۹ و ۱۰ آیین نامه سازمان بازرسی کل کشور) طبق تبصره ماده ۲ قانون سازمان بازرسی، در بازرسی هایی که به دنبال شکایت انجام می گیرد یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص

^۱ - حسین مهرپور - پیشین، ص ۲۲۰

تخلف توسط سازمان، به دیوان عدالت ارسال می‌گردد که طبقاً دیوان برحسب مورد اقدام به ابطال تصمیم یا اقدام واحد مورد بازرسی خواهد نمود.

بخش چهارم: نگاهی به تلاش‌های بین‌المللی در راستای تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی

«اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و رسماً توسط یکایک کشورهای عضو این سازمان، به عنوان تعهدی الزام آور، پذیرفته شده است. ولی باید دانست مفاد این اعلامیه با باورها و ارزش‌های بسیاری از ملل جهان، سازگاری ندارد. به طور مثال، کنفرانس مقدماتی کشورهای آسیایی در بانکوک اعلام کرد به منظور حمایت از حقوق بشر، تفاوت‌های موجود در زمینه‌های ملی و مذهبی را باید در نظر گرفت. یا این که در اعلامیه قاهره (۹ ژوئن ۱۹۹۲) کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، حقوق بشر را پس از معیارهای مذهبی اسلامی در مقام دوم اهمیت قرار داده‌اند؛ ولی در هر حال، جهانی بودن حقوق بشر و اتفاق همه ملت‌ها در بسیاری از مواد این اعلامیه، واضح است. کشورهای مسلمان در ۱۴ محرم ۱۴۱۱ در قاهره، اعلامیه‌ای را به تصویب رساندند. که به «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» معروف شد. این اعلامیه، نسبت به اعلامیه جهانی، اضافاتی دارد و همچنین با برخی از آزادی‌های مندرج در آن، مخالف است که این اختلاف، ناشی از تفاوت در دیدگاه اسلام و غرب است. در مقایسه حقوق جهانی با حقوق مصرح در اسلام باید گفت: بدون قرار گرفتن تحت تاثیر احساس و ذوقیات، نه تنها همه مواد شایسته این اعلامیه در منابع اولیه و معتبر اسلامی، با استناد به متون اصلی دین، وجود دارد، بلکه اضافه بر آن مواد، حقوق و احکامی در منابع اسلامی راجع به بشر در موقعیت جهانی وجود دارد که می‌تواند امتیازی خاص برای فقه و حقوق اسلامی محسوب شود و در عین حال، خالی از برخی اشکالات جزئی و یا نواقصی است که در اعلامیه مورد بحث، قابل مشاهده است.»

بند اول: محتوای اعلامیه حقوق بشر اسلامی

اعلامیه فوق شامل یک مقدمه و ۲۵ ماده می‌باشد، مقدمه با این عبارت شروع می‌شود دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ضمن تاکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید» بعد از آن مواد ۲۵ گانه را ارائه می‌دهد. محتوای این اعلامیه همانند محتوای اعلامیه جهانی آزادی سیاسی و اجتماعی و بسیاری از آزادی‌های دیگر

را از حقوق انسان‌ها می‌داند و دولت و اجتماع را در فراهم نمودن محیط زندگی برای برخورداری از این حقوق مسئول می‌داند، با این حال محتوای اعلامیه آزادی را که در تضاد با حقوق و تکالیف جامعه و فرد باشد را ممنوع نموده است.» در کل محتوای این اعلامیه همانند اعلامیه جهانی صرفاً یک بیانیه مشترک از حقوق اسلامی است و نه کنوانسیون یا معاهده‌ای الزام آور. محتوای این اعلامیه هنگام بررسی در سازمان کنفرانس اسلامی مورد حذفیات و برخی تغییرات دیگر گرفت و آن را تا حدودی به اعلامیه جهانی نزدیک نمود ولی نکته قابل تامل این است که محتوای اعلامیه هنوز از حد اعلامیه صرف خارج نشده است.

بخش پنجم: ویژگی‌های کلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی

«اعلامیه حقوق بشر اسلامی همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تکیه کرده و برخی حقوق لازم الرعایه را احصاء نموده است که باید آن‌ها را به رسمیت شناخت و در مقام اعمال و اجرای آن‌ها برآمد. برخی از اصولی که به عنوان حقوق و آزادیهای اساسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده در این اعلامیه نیز آمده است. برخی از حقوق هم که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده، در اعلامیه اسلامی مورد توجه و تصریح قرار گرفته است مثل ممنوعیت استعمارگری و حق مبارزه با آن یا حق مقابله با تجاوز به حیات انسان و نیز حق زندگی در محیط پاک و دور از مفساد اخلاقی و داشتن امنیت دینی علاوه بر امنیت‌های مربوط به جان و خانواده و ناموس و نیز اشاره به لزوم حفظ حرمت انسان حتی پس از حیات او و محترم شمردن جنازه او.»

بند اول: ابداعات و نوآوری‌های اعلامیه حقوق بشر اسلامی

«یکی از ارزشمندترین خصایص اعلامیه حقوق بشر اسلامی توجه به نکاتی است که در اعلامیه جهانی بدان توجه نشده است. این اعلامیه با حمایت از حقوقی که بی‌تردید در زمره حقوق مسلم بشر قرار دارند ولی در اعلامیه جهانی مورد غفلت واقع شده‌اند، جایگاه خود را به عنوان اعلامیه‌ای با مضامین بدیع در مقابل جهانیان به اثبات رساند و ارزش و اهمیت حقوق بشر در دین اسلام را نمایان ساخت. اعلامیه مذکور با ممنوع شناختن استعمار و استعمارگری حق مبارزه با این موضوع را برای همه افراد بشر قایل شده است و به صراحت انواع گوناگون استعمار را به عنوان بدترین نوع بردگی تحریم می‌کند. اعلامیه حقوق بشر ایلامی حق‌رهایی و

تعیین سرنوشت را برای تمامی ملت‌هایی که از استعمار رنج می‌برند به رسمیت شناخته و تمام دولت‌ها و ملت‌ها را موظف به یاری رساندن به قربانیان استعمار در جهت نابودی این پدیده مخرب دانسته است. همچنین حق زندگی در محیط پاک و دور از مفسد اخلاقی و لزوم حرمت انسان پس از مرگ را به گونه‌ای بدیع مورد اشاره و پذیرش قرار داده است.^۱ همچنین این اعلامیه قدرت حکومت را به امانتی تعبیر کرده که به حاکم یا هیئت حاکمه سپرده شده است و مقتضای امانت داری این است که از آن سوء استفاده نشود و بنابراین استبداد و دیکتاتوری و هر نوع سوء استفاده از قدرت خیانت در امانت تلقی می‌شود و ممنوع است و طبعاً وقتی امین ازدایره امانتداری خارج شد، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. چنانچه در بند الف ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «ولایت امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع است زیرا که حقوق اساسی انسان از این راه تضمین می‌شود.

بخش ششم: تضادهای واضح اعلامیه اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر

۱- نقش مذهب در اعلامیه اسلامی حقوق بشر

نقش مذهب در اعلامیه اسلامی پررنگ‌تر از اعلامیه جهانی می‌باشد. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی بیان می‌دارد: هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و اظهار هر نوع عقیده دینی یا غیردینی می‌شود اما اعلامیه اسلامی در ماده ۱۰ خود بیان می‌دارد «این فطرت است و به کار بردن هر گونه اکراه نسبت به انسان با بهره برداری از فقر و جهل انسان جهت تغییر این دین به دین دیگر یا به الحاد جایز نمی‌باشد». این ماده در تعارض آشکار با ماده ۱۸ اعلامیه جهانی بوده چرا که دین را فطری دانسته و تغییر آن را به دین دیگر با بهره برداری از جهل و فقر جایز نمی‌داند در صورتی که اعلامیه جهانی به آزادی مطلق در دین و تغییر آن اذعان دارد.

۲- کلی گویی در اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی به مساله برابری و کرامت بشر به شکل کلی اشاره دارد. اگر در مقدمه اعلامیه جهانی به کرامت انسان‌ها، برابری آنها و یکسان آفریده شدن آنها که از مفاهیم مذهبی و دینی است اشاره شد به این خاطر است که بر مبنای آن اجرای حقوقی را بیان دارد. اعلامیه جهانی

^۱ - سارا انصاری، اعلامیه قاهره نگاه اسلامی به حقوق بشر، روزنامه همشهری ۱۳۸۸/۲/۱۷، ص ۱۳

به تکیه بر عقیده صحیح و حفظ آن کاری ندارد راه‌های رسیدن به کرامت بشری برابری را مورد اشاره قرار نمی‌دهد و حتی مکتبی را جهت رسیدن به این اهداف بیان نمی‌دارد ولی اعلامیه اسلامی در ماده ۱ خود عقیده صحیح یا همان اسلام را تنها تضمین برای رشد شرافت و کرامت انسانی می‌داند بنابراین از شکل کلی گویی خارج و جنبه اجرایی به آن داده است.

بند اول: دلایل مخالفان اعلامیه اسلامی

بسیاری از متفکران با اعلامیه اسلامی حقوق بشر به دلایل مختلفی مخالف می‌باشند که در میان آنان عده‌ای از متفکران و اندیشمندان مسلمان نیز می‌باشند. برخی متفکران مسلمان، بر این نکته تصریح و تاکید کرده‌اند که اعلامیه جهانی حقوق بشر، از آن جا که برخاسته از حقوق مطرح در ادیان ابراهیمی (مسیحیت و یهود) است، اختلاف چندانی با فقه و حقوق اسلامی ندارد و بلکه در روزگار تصویب، نخست، مورد تایید علمای بزرگ مسلمان (شیعه و غیرشیعه) قرار گرفته و سپس از سوی ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، پذیرفته شده است. برخی نیز تصریح کرده‌اند که این اعلامیه، شاید تا ۹۸ درصد با فقه و حقوق اسلام، مطابقت دارد. بر این نکته باید افزود که علما و حقوقدانان مسلمان در نشست قاهره، نتوانستند به این پرسش پاسخ دهند که اگر قرار بر دخالت دادن اعتقادات دینی مسلمانان در اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد. اولاً آیا این حق برای هندوها، سیک‌ها، بودایی‌ها، توتم پرستان آفریقا و.. هم محفوظ است که چنین ادعایی داشته باشند و اعتقادات خود را در حقوق و قوانین جامعه خود، حاکم کنند؟ ثانیاً تکلیف آن دسته از فرقه‌ها و گروه‌های مسلمانی که همین اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب قاره را هم قبول ندارد (مثل گروه‌های تندرو اسلامی، سلفی‌ها، وهابی‌ها و نیز برخی روشن فکران پیشرو) چه می‌شود؟

الف) اشتراکات اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی

دو اعلامیه از جنبه‌های مختلفی با هم مشابه و یکسان می‌باشند که به نظر نگارنده مهمترین این تشابه‌ها شامل موارد ذیل می‌شود:

- ۱- ممنوعیت برده داری: برده داری به طور صریح در اعلامیه حقوق بشر اسلامی ممنوع شده است، ماده ۱۱ بند الف می‌گوید: «انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ کس حق ندارد او را به بردگی بکشد یا ذلیل و مقهور خویش نماید یا از او بهره‌کشی نماید و بندگی جز

برای خداوند متعال وجود ندارد. البته ممنوعیت بردگی در ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم تصریح شده است، آنجا که بیان می کند: احدی را نمی توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بندگان به هر شکلی که باشد ممنوع است. نکته جالب این است که این موضوع در اعلامیه حقوق بشر اسلامی با تفصیل و توضیح بیشتری آمده است.

۲- شناسایی حق مالکیت ادبی: حق دیگر، حق مالکیت ادبی یا استفاده از دستاوردهای علمی، ادبی، هنری و تکنولوژی است. این حق در اعلامیه اسلامی به رسمیت شناخته شده است، آن جا که در ماده ۱۶ مقرر می دارد: «هر انسانی حق دارد از ثمره های دستاورد علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژی خود سود ببرد و حق دارد از منابع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید. البته این حق در بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی نیز تصریح شده که هر کسی حق دارد از حمایت معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ب (افتراقات و تضادهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی: با توجه به این که در مقایسه دو موضوع، افتراقات و تضادهای آنها بیشتر خودنمایی می کند، در این قسمت بطور مشروح و مفصل به این موضوع خواهیم پرداخت:

۱- برابری در حقوق

تفاوت عمده اعلامیه حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر این است که اعلامیه ی جهانی نسبت به مذهب به صورت کلی اشاره می نماید، اعلامیه جهانی به جنبه عملی و کاربردی توجه دارد و اگر در مقدمه و ماده ی اول به اصل فلسفی کرامت و حیثیت ذاتی انسان و یکسان آفریده شدن آنها اشاره می کند، برای این است که بر مبنای آن اجرای حقوقی را بیان کند که برای همه، بدون هیچ تبعیض اساسی اجرا شود و بهانه ای برای قیام و شورش وجود نداشته باشد و صلح، امنیت و نظم زندگی به خطر نیفتد، بنابراین به تأمین زمینه های ارتقاء روحیه ی ایمانی و حفظ دین و عقیده صحیح کاری ندارد و تکالیف را هم برای انسان بر نمی شمرد، چون خواهی نخواهی انسانی که در جامعه و تحت حکومت زندگی می کند، مشمول مقررات الزام آور حکومت است ولی آنچه دغدغه ی خاطر تدوین کنندگان اعلامیه جهانی بوده، روشن نبودن و عدم رعایت حقوق انسان هاست که خود را ملزم به تبیین و تشریح

آنها دانسته اند، مقایسه بین ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱ حقوق بشر اسلامی، این تفاوت دو دیدگاه را به خوبی نشان می دهد. ماده ی ۲ اعلامیه جهانی می گوید: هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر. از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده بهره مند گردد ولی ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر اسلامی به تساوی اصل شرافت انسانی برای همه و برابری در تکلیف و مسئولیت اشاره می کند و در واقع عدم تبعیض را در تحمل تکلیف مورد تصریح قرار داده است، نه در برخورداری از حقوق، بند الف ماده ۱ بدین شرح است: بشر به طور کلی، یک خانواده می باشد که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آن ها را گرد آورده و همه ی مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند، بدون این که هیچ تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی، وضع اجتماعی و غیره وجود داشته باشد و بعد اضافه می کند: ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می باشد. یعنی با این که همه انسان ها در اصل شرافت و مخلوق بودن یکسان هستند ولی آنها که عقیده صحیح دینی را به دست می آورند بیشتر کسب شرافت می نمایند و در شرافت اکتسابی از دیگران جلو می افتند، اعلامیه جهانی حقوق بشر به این مسئله کاری ندارد و نفی و اثباتی بر این امر نمی نماید، ولی بر این امر اصرار دارد که بین دو انسان دارای عقیده ی متفاوت (ولو یکی صحیح و دیگری فاسد) باید از لحاظ حفظ حیات و حق دارا شدن مال و شرکت در اداره امور کشور و احراز مناصب و مشاغل و غیره یکسان رفتار شود.

۲- کرامت و حیثیت

کرامت و حیثیتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر از آن سخن می گوید، هیچ پشتوانه منطقی و فلسفی ندارد و مشخص نکرده است که چرا انسان دارای این وصف شده است، ولی در اعلامیه اسلامی، اساس این کرامت را مقام جانشینی خداوند «خلیفه...» می داند که آفریدگار جهان به او اعطا کرده است. و دیگر این که اعلامیه اسلامی به تربیت روحی و

بالا بردن سطح اخلاق و معنویات و فضایل انسانی پرداخته که اعلامیه جهانی در مورد آن سکوت نموده است.

۳- نقش مذهب

نقش مذهب در اعلامیه اسلامی پررنگ تر شده، این در حالی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن توجهی ننموده است و در ماده ۱۸ گفته است: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود، این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است. این در حالی است که اعلامیه اسلامی در ماده ۱۰ بیان می کند: اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان با بهره برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نمی باشد که این ماده در تعارض آشکار با اعلامیه جهانی می باشد، زیرا اعلامیه اسلامی، دین اسلام را اصل و پایه و اساس تمامی اصول حقوقی دین می داند.

۴- منشأ قدرت حکومت

تفاوت دیگر در مورد حکومت و منشأ اقتدار بین دو اعلامیه مشاهده می شود، اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۳ ماده ۲۱ صریحاً می گوید: «اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد، انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد. حکم این ماده بر این واقعیت نشأت می گیرد که انسان چون موجودی اجتماعی است به ناچار باید با توافق و مساعی با هم زندگی اجتماعی خود را اداره نماید و بهترین راه رسیده به این هدف شرکت افراد آن جامعه در انتخابات آزاد و انتخاب افرادی به نمایندگی از مردم می باشد. ولی اعلامیه حقوق بشر اسلامی در بند الف ماده ۲۳ می گوید ولایت (حکومت) امانتی است که استبداد و سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع می باشد، زیرا که حقوق اساسی انسان از این راه تعیین می شود. در این ماده قدرت حکومت به امانتی تعبیر شده که به حاکم واگذار شده و شایسته نیست که حاکم امانتدار نبوده و یا از آن سوء استفاده نماید.

۵- حقوق خانواده

از دیگر تفاوت های بین دو اعلامیه، راجع به حقوق خانواده می باشد، بند ۱ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت یا مذهب، با همدیگر ازدواج نموده و تشکیل خانواده دهند، در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند. ولی اعلامیه حقوق بشر اسلامی در ماده ۶ خود می گوید:

الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق خود نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسب خویش را دارد.

ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن از وظایف مرد است.

۶- حق تابعیت جهانی

حق تابعیت جهانی در اعلامیه جهانی تصریح شده است، آنجا که بیان می کند: هر کسی حق دارد که دارای تابعیت باشد و احدی را نمی توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد ولی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی به لحاظ این که دارالاسلام کشور و وطن همه مسلمانان از هر قوم و رنگی و نژاد می باشد، اصلاً مطلبی در این خصوص نیامده است.

نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی و پایانی مقاله حاضر باید گفت در بیان حقوق و آزادی های بشر، تفاوت چندانی میان معیارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی وجود ندارد. ولی با این وجود، تفاوت هایی هم بین این دو اعلامیه وجود دارد، که در این نوشتار مجال بسط آن نیست اما بطور خلاصه می توان گفت که مهمترین تفاوتی که بین دو اعلامیه وجود دارد، مربوط به نقش مذهب می شود، اعلامیه جهانی توجه جدی به مذهب و دین ندارد و همه افراد را در پذیرش و انتخاب و تغییر عقیده آزاد می گذارد و هیچ کس را به پذیرش دین معینی یا عدم تغییر دین و عقیده ای اجبار یا مورد اکراه قرار نمی دهد. ولی در اعلامیه حقوق بشر اسلامی مذهب اسلام نقش مهمی را بر عهده دارد و حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه قید

شده با آن مورد سنجش قرار می‌گیرد، اسلام تغییر مذهب را نمی‌پذیرد و اسلام را به عنوان تنها دین عامل رستگاری معرفی می‌کند. ولی با همه این اوصاف به نظر می‌رسد هر دو اعلامیه به دنبال تحقق یک هدف هستند و آن تضمین حقوق و آزادی‌های بشر می‌باشد و هر کدام به شیوه خود در راستای تحقق آن فعالیت می‌نمایند و کشورهای اسلامی باید توجه کنند که تکیه متعصبانه و انحصاری بر اجرای احکام اسلامی و بی‌مهری و رد اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی، باعث انزوای بین‌المللی، عقب‌ماندگی و تهجر آنها می‌گردد و بهتر است این دو اعلامیه را در تضمین حقوق بشر مکمل هم بدانیم نه جایگزینی برای هم. در جمع بندی کلی باید اذعان داشت تفاوت آزادی بیان در اسلام و اعلامیه جهانی اولاً به مساله ارتداد بر می‌گردد بدین معنی که اسلام ابراز عقیده شرک آلود و کفر را تاب نیاورده و مستوجب مجازات می‌داند و دوم آنکه آزادی بیان در اسلام حالت جهانشمولی داشته و در همه عصرها و فرهنگ‌ها قابلیت اجرا دارد و سوم آنکه اسلام ساز و کار اجرایی حق آزادی بیان را در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل دعوت به مشورت و تعقل، اصل مشورت و اصل انتقاد و نصیحت به حکام و زمامداران مشخص می‌نماید. اعلامیه جهانی از حالت حقوقی خارج شده و امروزه حالت سیاسی پیدا نموده و به ابزار سیاسی در دست غرب و دنیا، سرمایه داری جهت تخطئه مخالفین تبدیل شده اعلامیه جهانی علی‌رغم امعای موافقان آن حالت جهانشمولی نداشتند و در بسیاری از فرهنگ‌ها با تضاد و مخالفت روبروست در اعلامیه به مسأله مذهب و اعتقاد ماورایی اشاره نداشته و اعتقاد خود گرایانه در آن حاکم است و خردگرایانه بودن آن بدین معنی است که نقص دارد چرا که خود انسان نمی‌تواند معیار باشد چون فرد می‌تواند ناقص و معیوب باشد و نمی‌تواند ضابطه و قاعده جهانشمول وضع نماید. متأسفانه امروز نقض حقوق بشر در کشورهای اسلامی با همان معیارهای اعلامیه حقوق بشر اسلامی و قوانین اساسی حاکم بر کشورشان به وقوع می‌پیوندد. هم اکنون به ویژه در برخی کشورهای عربی اسلامی شاهد سرکوب شدید اعتراضات مردمی، شکنجه و آزار و زندانی شدن و قتل و کشتار شهروندان توسط حکامشان هستیم. به هر صورت باید به این نتیجه رسید و همچنین دنیا به این باور خواهد رسید که انسان‌ها حرمت دارند و اعلامیه حقوق بشر اسلامی در احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق شهروندی الگو و مربی جهان‌باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- ابوسعیدی، مهدی، حقوق بشر و سیر تکامل آن در غرب، نشر آسیا، تهران، ۱۳۴۳
- ۲- استوارت میل، جان، رساله درباره آزادی (ترجمه جواد شیخ الاسلامی) مراکز نشر علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۳
- ۳- باقری، علی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی تضادها و اشتراکات، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه تهران
- ۴- بسته نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۰
- ۵- ترینک، راجر، فهم علم اجتماعی (مترجم شهنار مسمی پرست)، نشر نی، تهران ۱۳۸۴
- ۶- جعفری، محمدتقی، تحقیق در نظام حقوق جهانی بشر، دفتر خدمات حقوق بین الملل، تهران - ۱۳۷۰
- ۷- جعفری، محمدتقی، تحقیق در نظام حقوقی جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بریکدیگر، دفتر خدمات حقوقی بین الملل، تهران، ۱۳۷۷
- ۸- جواد آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء چاپ دوم - ۱۳۷۱
- ۹- دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق - چاپ دهم، مرکز انتشارات امام خمینی، تهران، ۱۳۸۵
- ۱۰- درجستجوی راه امام از کلام امام - انتشارات امام خمینی - تهران، ۱۳۷۰
- ۱۱- دوستی، مسلم، آزادی بیان در اسلام و بررسی تطبیقی آن با اسناد بین المللی حقوق بشر پایان نامه دوره کارشناسی ارشد - دانشگاه تهران
- ۱۲- دو ورژه موریس، جامعه شناسی سیاسی (ترجمه ابوالفضل قاضی)، نشر دانشگاه تهران - ۱۳۶۸
- ۱۳- رسایی، محمد، اصل آزادی بیان در مکتب قرآن، یادداشت‌های استاد و عضو هیات علمی - مدرسه شهید مطهری، ۱۳۸۸
- ۱۴- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، (ترجمه غلامحسین زیرک زاده)، چاپ ششم، نشر سپهر، تهران ۱۳۵۸

- ۱۵- صحیفه نور، جلد‌های ۳، ۵، ۷، ۴، ۸، ۱۹، ۲۰ ناشر سازمان، اسناد و مدارک انقلاب اسلامی
- ۱۶- طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
- ۱۷- عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، نشر وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۸- فریدن، مایکل، مبانی حقوق بشر (مترجم فریدون مجلسی)، نشر وزارت خارجه، تهران، ۱۳۸۲
- ۱۹- گروهی از نویسندگان، حقوق بشر از دیدگاه اسلام، انتشارات بین‌المللی هدی، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۰- لوین، اندرو، طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی (ترجمه سعید زیبا کلام)، نشر سمت، تهران ۱۳۸۰
- ۲۱- لیوتار، ژان فرانسوا، وضعیت پست مدرن (مترجم حسینعلی نودری) چاپ سوم، نشر گام نو، تهران، ۱۳۸۴
- ۲۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار (جلد ۲)، نشر بی‌جا، بیروت ۱۴۰۴ قمری
- ۲۳- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۵۹
- ۲۴- مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، دفتر انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۶۰
- ۲۵- مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۷۲
- ۲۶- مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (جلد ۲ و ۱۱)، نشر معارف اهل بیت، تهران ۱۳۸۰
- ۲۸- منصوری لاریجانی، اسماعیل، مسیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با اصول تفسیری حقوق بشر در اسلام، نشر تابان، تهران، ۱۳۷۴